



بررسی و مقایسه دفاع مشروع از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل

ساسان چمنی^۱ | وحید ریاضی^۲

چکیده

دفاع به معنای راندن، دور کردن و دفع تجاوز به حریم فرد، گروه یا جامعه با هدف تأمین امنیت جسمی و روحی افراد جامعه، یکی از مسائل مهم امروز در گستره فقه و حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل است که در خلال آن فرد یا جامعه به حفظ جان یا شخصیت و آبروی خود یا افراد دیگر در مقابل متجاوز می‌پردازد. این عملکرد در هر یک از دو منبع مذکور دارای شرایط و ضوابطی از قبیل تناسب و تلازم دفاع با خطر، تجاوز نظامی و مسلحانه، ضرورت و لزوم دفاع در مقابل متجاوز است که با تفاوتها و مشابهتهایی بروز و نمود یافته است. سوال اصلی در این تحقیق این است که بین مفهوم دفاع از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل چه تفاوت و شباهتهایی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال به روش تحقیق کتابخانه‌ای و بررسی میدانی منابع متعددی مورد مطالعه واقع گردید. دین اسلام نه تنها دفاع را نوعی حق بلکه نوعی تکلیف واجب دانسته و افرادی که در راه دفاع از حریم کشته می‌شوند را شهید معرفی نموده است. این در حالی است که در حقوق بین‌الملل به جنبه حق بودن آن تأکید شده و در برخی تفاسیر موسّع، آن را از محدوده دفاع خارج ساخته و به حالت حملات پیشگیرانه مبدل ساخته که ماهیت دفاع مشروع را تحت الشعاع قرار داده و از حالت عادی خارج می‌سازد. همگرایی و واگرایی مبانی اسلام با مبانی غرب از این نقطه آغاز می‌شود که در این پژوهش قابل بحث است.

کلیدواژه‌ها: دفاع، دفاع مشروع، حقوق بین‌الملل، مبانی اسلام

DOR: 20.1001.1.10255087.1402.32.122.4.0

مقدمه و بیان مسئله

"هر کس که نفسی را بدون عنوان قصاص یا فساد در روی زمین بکشد، مانند این است که همه انسانها را کشته است و اگر نفسی را احیا کند مانند این است که همه انسانها را احیا کرده است" (سوره مائده آیه ۳۲)

طبق این آیه شریفه، نفس محترمه شامل همه انسانهاست مگر کسانی که به جهت جرم تباه کننده حیات مستحق کیفر و قصاص بوده باشند. در فقه اسلامی عنوان نفس محترمه مطرح است و وارد کردن هر گونه آسیب و اخلال بر حیات نفس محترمه حرام جدی و عامل آن مجرم و مشمول کیفر است. پس حق حیات نفس محترمه امری است ثابت و نه تنها به مقتضای این حق نمی‌توان به حیات هیچ کسی آسیبی وارد کرد، بلکه برای هر کسی که توانایی حفظ آن از آسیب و قتل را داشته باشد، تکلیف واجب است که به هر وسیله ای که ممکن است اقدام به حفظ آن نماید. (سبحانی فر، ۱۳۹۱)

از دید دانشمندان علم حقوق، زمانی که شخص به طور معقول باور داشته باشد مورد حمله قرار گرفته است و از نیروی دفاعی علیه کسی استفاده کند که فردی مهاجم است در حقیقت دفاع کرده است و این مطلب در تحقیق حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. از این رو، حق دفاع کردن در مقابل هر گونه تعرض ناشی از عوامل مختلف، به جان، ناموس، آبرو و اموال از حقوق غیرقابل انکاری است که هر انسانی واجد آن بوده و در قالب حقوق موضوعه و مبانی اسلام در ضمن مباحث و مواد متمایزی به آن اشاره شده است. (شاهرودی، ۱۳۷۵)

دفاع مشروع یکی از مهمترین موضوعات مربوط به حفظ جان یا شخصیت و آبروی انسان است که در فقه و حقوق از جهات متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است. حق دفاع در مقابل تجاوز دیگران به جان، ناموس و آبروی فرد از مهمترین و طبیعی ترین حقوق افراد است که در تمامی ادیان الهی از جمله دین اسلام همچنین در عرصه حقوق بین‌الملل مورد پذیرش است. این واژه در گستره فقه و در اندیشه فقهای مسلمان به صورت معانی گوناگونی مورد تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی دفاع در حیطه دین اسلام در قالب‌های مختلف از قبیل دفاع از دین اسلام، دفاع از نفس و شخصیت افراد و اموال مطرح شده است. (منتظری نجف آبادی، ۱۳۶۷)

علاوه بر مبانی اسلام در سیستم حقوقی بین‌المللی یکی از موارد قابل توجه دفاع است که اگرچه در دین اسلام تحت شرایطی خاص به آن دفاع مشروع اطلاق می‌شود با این وجود با معانی مشابه و مرتبطی دارای نقاط اشتراک و افتراق است که در ضمن بحث بیان خواهد شد. پژوهش حاضر بر اساس تأمل و تدبیر در مفاهیم محوری و مرتبط با دفاع با رویکرد مبانی اسلام و بین‌الملل با این سؤال محوری و اساسی مواجه است: «دفاع مشروع در مبانی اسلام و حقوق بین‌الملل چه عناصر و مشخصاتی دارد؟». (خسروی، ۱۳۷۳)

پژوهش حاضر بر اساس تأمل و تدبیر در مفاهیم محوری و مرتبط با دفاع با رویکرد فقه اسلام و حقوق موضوعه ایران و بین‌الملل با این سؤال محوری و اساسی مواجه است: «دفاع مشروع در اسلام و حقوق بین‌الملل چه عناصر و مشخصاتی دارد؟».

قبل از ورود به بحث اصلی ذکر دو نکته، یکی به منزله پیش فرض و دیگری به منزله فرضیه، ضرورتی انکارناپذیر است:

۱) با توجه به اینکه زندگی انسانها فی‌نفسه از ارزشمندی برخوردار است، دفاع از جان هر فرد به عنوان یکی از مصادیق دفاع مشروع برگرفته از حقوق طبیعی انسانها بوده و ریشه در فطرت الهی آن خواهد داشت.

۲) به نظر میرسد با واکاوی و تحلیل موارد دفاع مشروع بتوان به نقاط مشترک و متفاوت در این زمینه دست یافت و در پرتو دستیابی به نقاط افتراق و اشتراک می‌توان قول دقیقتر را با ارائه ادله واکاوی نمود.

دفاع از جامعه و کشور در برابر تهاجم خارجی یکی از مباحث مشترک حقوق بین‌الملل و اسلام است. اهمیت این موضوع در حدی است که بسیاری از نویسندگان و حقوقدانان به آن پرداخته‌اند. مسئله «تحریم جنگ» از دید حقوق بین‌الملل شایان توجه خاصی است، زیرا قبل از انعقاد میثاق پاریس، مبادرت به جنگ یکی از مظاهر استقلال و حاکمیت کشورها محسوب می‌شد و حتی جامعه ملل نیز جنگ را تحریم نکرده و فقط اقدام به آن را مبتنی بر شرایطی دانسته است. در احکام اسلام، قوانین قابل توجهی در باب این مسئله وجود دارد. لذا با توجه به مبانی و پیش فرض‌های مذکور، مفهوم‌شناسی ماهیت دفاع مشروع در عرصه لغت‌شناسان، فقهاء و حقوقدانان در مرحله اول ضرورتی انکارناپذیر است و بر اساس آن می‌توان به جایگاه آن در اسلام و عرصه‌های بین‌المللی اشاره نمود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

ترکیب دفاع مشروع به صورت موصوف و صفت متشکل از دو واژه دفاع و مشروع است. واژه‌ی دفاع مصدر باب مفاعله و از ریشه‌ی دفع اخذ شده است و به معنای حمایت و یاری کردن (محدث نوری، ۱۳۶۶) و راندن و دور ساختن و سد کردن و برگرداندن و کوچ کردن نیز می‌باشد. (ابن منظور، ۱۳۷۲)

با توجه به اینکه واژه‌ی مشروع از ماده‌ی شرع گرفته شده و شرع در لغت به راه مستقیم و روشن و نیز به دین و آیین گفته می‌شود، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کلمه‌ی مشروع به معنای هر آن چیزی است که مورد تأیید و موافقت شرع باشد و به تعبیر دیگر به هر آنچه که از نظر شرع روا و مجاز باشد مشروع گفته می‌شود. با توجه به بدیهی بودن معنای دفاع مشروع، فقهاء اسلامی در آثار فقهی خود از پرداختن به تعریف این واژه گذشته و به تبیین شرایط و مقررات دفاع مشروع پرداخته‌اند. (منتظری نجف آبادی، ۱۳۶۷)

می‌توان گفت دفاع به طور کلی و بر اساس تقسیم منطقی به دو قسم مشروع و غیر مشروع قابلیت تقسیم پیدا می‌کند و اصطلاح دفاع مشروع که بکار بردن آن در میان فقهاء و حقوق‌دانان مرسوم و متداول است بر اساس مجاز بودن بلکه ضروری بودن واکنش دفاعی انسان در برابر هرگونه تعدی و تجاوز به جان و مال و ناموس و دین و سرزمین انسان که از نظر عقلی و شرعی و عرفی مورد تأیید قرار گرفته، نامگذاری شده است. (ابن منظور، ۱۳۷۲)

جدول ۱. پیشینه تحقیق در قالب جدول زیر آورده شده است

| عنوان | نویسنده | نوع منبع | تاریخ | عنوان مجله |
|---------------------------------------------------------|---------------------------------------------|----------|-------|--------------------------------------|
| واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل | سید حسین حسینی زندآبادی* احمد عابدینی | مقاله | ۱۳۹۸ | فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/ |
| حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل | عبدالاحمد فیض | مقاله | ۲۰۱۴ | منشور سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۴۵ |

جدول ۱. پیشینه تحقیق در قالب جدول زیر آورده شده است

| عنوان | نویسنده | نوع منبع | تاریخ | عنوان مجله |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------|----------|-------|---------------------------------|
| ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای) | حسین سلامی و رضا یداللهی | مقاله | ۱۳۹۶ | فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک |
| مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای | | کتاب | ۱۳۹۳ | |
| بررسی تحلیلی شرایط حق دفاع مشروع با تاکید بر اقدامات مسلحانه دولت‌ها علیه حملات گروه‌های تروریستی بینالمللی | حسین شریفی طراز کوهی | مقاله | ۱۳۹۱ | دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، |
| دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل | سید فضل‌الله موسوی | مقاله | ۱۳۸۵ | مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی |

دفاع مشروع از دیدگاه اسلام

در نظام حقوقی اسلام، واکنش کشور مورد تهاجم دشمن به منظور دفاع از خود، تحت عنوان جهاد تدافعی مورد بحث قرار می‌گیرد. قرآن کریم با تحریم تجاوز (اعتدا) «ولا تعتدوا ان الله لایحب المعتدین» معیار آن را تجاوز از حدود تعیین شده و احکام الهی قرار داده است. لذا اسلام جنگ را در موارد دفاع از جان و جنگ با شورشیان علیه حکومت اسلامی، تجویز نموده است. در آیه ۳۹ سوره حج که به عقیده بعضی، نخستین آیه جهاد است، آمده است: «به آنها که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته‌اند، اجازه جهاد داده شده و خداوند بر یاری آنها قادر است.» سوره‌های مبارکه زیر، بر مشروعیت جهاد تدافعی دلالت دارند: سوره بقره، سوره نساء و سوره توبه. علاوه بر سنت عملی رسول خدا (ص)، روایات زیادی از شیعه و سنی در این خصوص وارد شده است. به گفته بسیاری از فقها، تمام جنگ‌های پیامبر (ص) دفاعی بود و هیچ کدام

تجاوزگرانه نبود. در صورت نبود ادله های دیگر، عقل به تنهایی حکم می‌نماید که در مقابل تجاوز به کشور، به دفاع از آن مبادرت ورزید. آیت الله مصباح یزدی در بیان حکمت تشریح جنگ و دلیل مشروعیت جنگ های دفاعی می‌نویسد: «دفاع از حقوق سیاسی و حاکمیت ملی و استقلال کشور در برابر دشمن متجاوز خارجی در عرف بین‌الملل مورد قبول است.» از این رو جهاد دفاعی در مقابل هجوم بیگانگان از اوجب واجبات است و تشکیک در آن، تشکیک در احکام کتاب و سنت می‌باشد. (سبحانی فر، ۱۳۹۱)

مسئله جواز و وجوب دفاع مشروع بین فقهای اسلامی و نزد تمام عقلای عالم به قدری روشن و مسلم فرض شده است که آنان در طرح بحث خود از این موضوع، درصدد بیان دلیل اصل مشروعیت دفاع برنیامده‌اند. بلکه صرفاً در این مقام به بیان ادله تعیین کننده شرایط، محدودیت‌ها و ذکر مصادیق آن پرداختند. از سویی دیگر با وجود ادله عقلی و نقلی، اعم از قرآن و سنت، ضرورتی به ادعای اجماع در کلامشان دیده نمی‌شود. ولی بدون هیچ شکی مشروعیت دفاع مشروع، محل تسالم فقها بلکه عقلاست. (ابن ادریس، ۱۳۶۸) در جهاد تدافعی تنها شرایط عامه تکلیف یعنی عقل، بلوغ و قدرت مطرح است. علی‌رغم اتفاق فقهای شیعه و سنی بر عدم اشتراط جهاد تدافعی به وجود امام معصوم یا عادل به این دلیل که اگر از بلاد اسلامی دفاع نشده و دشمن رانده نشود، حق از بین می‌رود، به نظر می‌رسد که این روش در فرض وجود دولت اسلامی مقتدر، محل مناقشه و تأمل باشد، زیرا فلسفه وجود حکومت اسلامی، رهبری امور از سوی حاکم دولت اسلامی و در تعبیر فقهای شیعه «ولایت فقیه» یعنی کارشناس عادل و متبحر در اداره و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی است. بنابراین در این گونه جهاد تدافعی کسب اجازه از مقامات صالحه حکومت اسلامی الزامی است. (ابن ادریس، ۱۳۶۸)

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله دفاع را به دو قسم دفاع از حوزه اسلام و دفاع از نفس و مانند آن تقسیم نموده و در ارتباط با قسم اول می‌فرماید: «اگر کشورهای اسلامی و یا مرزهای آنها از طرف دشمن خطرناکی مورد حمله قرار گیرد، به گونه ای که مجتمع اسلامی در معرض خطر باشد، دفاع بر همه واجب است و سپس این امر را بر استیلاء سیاسی و اقتصادی نیز تعمیم داده و می‌فرماید: اگر روابط تجاری با دشمنان اسلام حوزه اسلام و بلاد مسلمین را از نظر سیاسی مورد خطر قرار دهد، بر همه مسلمانان واجب است از چنین روابطی خودداری نمایند؛ و اگر بعضی از

دولتهای اسلامی و یا نمایندگان مجلس از نظر سیاسی و یا اقتصادی موجب آن گردند که اجانب از نظر سیاسی و اقتصادی در کشورهای اسلامی نفوذ پیدا کنند، چنین کسانی خائن محسوب شده و باید از مقامشان معزول گردند. سپس به بحث درباره بخش دوم دفاع پرداخته اند که مقصود ما نیز از دفاع مشروع همین بخش می باشد.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵) محقق نیز در شرایط بر این اساس می فرماید: «برای انسان جایز است تا محارب، مهاجم، دزد و مانند اینها را از خود و حریم و مال خود، در صورتی که بتواند منع نماید» (محقق حلی، ۱۳۷۰) در گستره فقه، حتی اگر مهاجم کشته شود خون وی مباح بوده و مدافع، مسؤول خون او نیست.

به عنوان مثال، حضرت امام (ره) در مسأله دوم از بحث تجاوز به جان می فرماید: «اگر دزدی و یا غیر دزدی به خانه کسی وارد شود و قصد قتل او را داشته باشد، دفاع بر صاحب خانه واجب بوده و باید از هر وسیله ممکن که در اختیار دارد استفاده نماید، هر چند مهاجم کشته شود و تسلیم در برابر او به هیچ وجه جایز نیست ... و اما اینکه تسلیم در برابر او جایز نیست به خاطر این است که اگر بخواهد در برابر چنین کسی تسلیم شود کشته می شود و بدیهی است که حفظ نفس بر او واجب است و اگر از خود دفاع نکرد و کشته شد در قتل نفس خود به قاتل کمک و مساعدت کرده و این امر شرعاً و عقلاً حرام است.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

سپس در مسأله ۳ از همین بحث مسأله هجوم به پسر، دختر، برادر و یا سایر افرادی که با انسان ارتباط دارند حتی خادم و خادمه را بیان کرده و می فرماید: «دفاع از این افراد واجب بوده و کشتن مهاجم جایز و مشروع می باشد، همه فقهاء در این حکم اتفاق نظر داشته و روایات نیز بر آن دلالت دارند.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

سپس در مسأله ۴ می فرماید: «اگر مهاجم بخواهد به حریم انسان تجاوز کند و قصد قتل نداشته باشد در این صورت نیز دفاع واجب بوده و به هر نحو ممکن دفع او لازم می باشد، هر چند به قتل مهاجم بیانجامد و اضافه می فرمایند که اگر قصد تجاوز نداشته باشد اما قصد مادون تجاوز را داشته باشد مانند اینکه بخواهد از او استمتاع نماید در این مورد نیز واجب است دفاع کرده و نگذارد کسی متعرض عرض و ناموسش شود، هر چند شخص مهاجم کشته شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

به نظر میرسد مبنای صدور چنین حکمی از سوی فقهاء برداشت از منطق آیه مبارکه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»^۱ (بقره/۱۷۳) است که بر اساس آن شخصی که آبروی وی مورد هجوم قرار می‌گیرد مضطر است. در نتیجه گناهی بر عهده وی نخواهد بود.

قانون مجازات ایران با بهره‌گیری از متون فقهی امامیه با ایجاد شرایط و ضوابطی بر اثبات حق دفاع مشروع اذعان نموده و آنها را در قالب قوانین شفاف‌ی ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد:

«هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود».

بر اساس این ماده قانونی موضوع دفاع، در شرایطی است که فرد در معرض تهاجم نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی قرار گیرد و موضوع مذکور، مقید و مشروط به شرایط خاص و تعریف شده‌ای است از قبیل: وجود و لزوم ضرورت دفع تهاجم و تجاوز، مستند بودن دفاع به قرائن یا ترس عقلایی، عدم امکان توسل یا دخالت مأموران دولت در زمان موردنیاز و

لذا می‌توان گفت، برای دفاع، اساساً باید ویژگی تهاجم و تجاوز یا خطرات ناشی از آن که حتمی و محقق الوقوع است باید وجود داشته باشد به گونه‌ای که ترس عقلایی را پدید آورد و قرائن قطعی بر وقوع تجاوز نیز آن را تأیید نماید.

از این رو، دفاع مشروع نه تنها نوعی حق بلکه نوعی تکلیف در مقابل فرد متجاوز معرفی شده است. حق یا تکلیف بودن این نوع دفاع به صورت دقیق و عمیق در موضوعات و مصادیق پیش آمده بروز و نمود می‌یابد. به عنوان مثال از آنجاکه حق حیات از مهمترین حقوق مطرح شده بشر

است، در صورت به خطر افتادن آن بی تردید، دفاع مشروعیت می‌یابد. حکم تکلیفی جواز و وجوب در کلمات فقهاء بیانگر اهمیت آن و بلکه تکلیف بودن آن است (ابن ادریس، ۱۳۶۸) (میرزای قمی، ۱۳۷۱).

با توجه به مباحث حقوقی مذکور مهمترین عناصر به دست آمده از این مواد قانونی در دفاع مشروع می‌تواند به صورت ذیل سامان یابد:

۱) قطعاً فردی که از خود دفاع میکند، در صورت آسیب رسیدن به متجاوز، مجازات نخواهد شد. زیرا در هر صورت، فردی که از جان، ناموس یا آبروی خود دفاع میکند، عادلانه و منصفانه نیست که مستوجب مجازات باشد بلکه او با راندن تعدی به جامعه انسانی نوعی خدمت ارائه می‌دهد پس عملکرد وی دارای قبح ذاتی نبوده، عدم مجازات او موجب جلوگیری از اقدامات مشابه افراد متجاوز می‌شود.

۲) در صورت تأمل در نکته اول، در خصوص افراد با وجود شرایط و ضوابط ذکر شده در مواد قانونی مذکور عدالت طبیعی اجرا خواهد شد.

۳) در مورد ارتکاب جرائمی که از نظر ماهیتی قادر به توجیه دفاع در مقابل حمله نیست، از این مسأله خروج موضوعی خواهد داشت. به عنوان مثال اگر فرد مرتکب دفاع، احتمال دهد که در آینده ممکن است توسط فرد مورد تعدی قرار گیرد این امکان به او این حق را نمی‌دهد که به صورت دفاع به طرف متعدی احتمالی حمله کند. همچنین اگر فرد با انجام اعمالی همچون ناسزا، تهدید و ... به فرد مقابل، نوعی تحریک موجب تعدی را به او القاء کند، دفاع مشروع و استفاده از قوانین مربوط به آن را دچار اختلال می‌کند.

لذا به نظر می‌رسد، فلسفه تأسیس قوانین دفاع مشروع آن است که افراد بتوانند تحت شرایطی، جان، مال، ناموس و آبروی خود را در مقابل تجاوز دیگران محفوظ دارند. به همین دلیل، در مواد قانونی مرتبط، به صورت مطلق، دفاع مشروع به رسمیت شناخته نشده است بلکه مقید به شرایط و ضوابطی است که آن را واجد قانون بودن می‌سازد.

گستره و محدودیت‌های دفاع مشروع در اسلام

در شارع مقدس گستره دفاع مشروع محدود به موارد چهارگانه ذیل می‌باشد:

➤ دفاع از اسلام در مقابل فتنه‌گری دشمنان

➤ دفاع از اتباع دولت اسلامی

➤ دفاع از دارالاسلام و کیان اسلامی

➤ دفاع از بلاد اسلامی

از این موارد چهارگانه به نمونه‌ای عملی در خصوص دو مورد اخیر اشاره می‌گردد:

هرگاه دارالاسلام به مخاطره بیفتد، دفاع از آن بر همه مسلمانان واجب است. همچنان که هنگام لشکرکشی نظامی روسیه به مناطق شمالی ایران در اواخر قرن نوزدهم میلادی و سال‌های انقلاب مشروطه، گروهی از فقهای بزرگ وقت که ساکن نجف بودند، طی نامه‌ای به علمای هندوستان خاطر نشان ساختند که چون دولت‌های عثمانی و ایران، مرکز ترویج دین اسلام و نقطه اعتماد مسلمانان هستند، حفظ اسلام در حفظ این دو دولت است و حمله نظامی روسیه و کشتار مسلمانان ایران، استقلال دولت و اصل اسلام را از بین خواهد برد. هرگاه دشمن به سرزمین‌های اسلامی تجاوز کند و قصد اشغال یا استیلای سیاسی بر آن داشته باشد ولو آنکه متعرض مسلمین نشود، دفاع در مقابل این تجاوز نیز واجب است. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۹۰ بقره می‌فرماید:

ماهیت جهاد در اسلام دفاعی محض است که حق انسانیت که بر اساس فطرت سلیم، حق مشروع بشریت می‌باشد، بدان وسیله حفظ می‌گردد و دفاع هم بالذات محدود است و تجاوز همان خروج از آن حدود است و به همین جهت به دنبال آیه فوق فرمود: تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد. بنابراین یک سری محدودیت‌ها، نه به جعل و قرارداد که ذاتی دفاع است از جمله: - وقوع تجاوز (بقره: ۹۰) - اصل تناسب بقره: ۱۹۴ - در حد ضرورت: بقره ۱۹۳ - پابندی به اصول انسانی و رعایت ارزش‌ها و لو آنکه طرف مقابل ناجوانمردی نماید. لذا اقدامی که به منظور دفاع از خود به عمل می‌آید باید در واکنش به یک تجاوز سابق بر آن و متناسب با رفع تجاوز و در همان حد که برای رفع تجاوز و خاتمه دادن به آن ضرورت داشته باشد و با رعایت اصول انسانی صورت گیرد. (یزدی، ۱۳۶۸)

ماهیت حقوق بین‌الملل

ماهیت حقوق بین‌الملل، ماهیتی توافقی (همکاری) است. و یک نظام حقوقی افقی است و نظام حقوقی تبعیت (از بالا به پایین یا عمودی) نیست. بنابراین در این نظام، یک مقام مافوق یا یک

حکومت برتر نداریم که قاعده وضع کند و بقیه از آن تبعیت کنند چون در این نظام خصوصاً با موجودیت‌هایی سروکار داریم به نام دولت که نقش کلیدی در این نظام ایفا می‌کنند و از ویژگی‌های این دولت‌ها، استقلال و حاکمیت است و دولت‌ها بر همین اساس نمی‌پذیرند که تحت اطاعت یک مقام مافوق باشند این یک ویژگی مهم حقوق بین‌الملل است. پس حقوق بین‌الملل ماهیت توافقی دارد، بر عکس حقوق داخلی که ماهیت تبعیتی دارد. باید دولتها در یک سندی و در چارچوب رویه عرف این منابع حقوق بین‌الملل را پذیرفته باشند پس تحمیلی در آن وجود ندارد و توافقی است. (بلدسویوسچک، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۷)

جایگاه دفاع مشروع و شرایط اثبات آن در حقوق بین‌الملل

بسط و تکامل دفاع مشروع را باید در قبال سابقه توسعه کلی حقوق بین‌الملل نسبت به جنگ و اصل منع توسل به زور نگریست؛ زیرا تا آغاز قرن بیستم با جواز مبادرت دولت‌ها به جنگ به طور آزادانه و بر اساس حقوق بین‌الملل عمومی، نیاز به توجیه آن اقدامات بر اساس دفاع مشروع نبود. لذا دفاع مشروع دارای اهمیت نسبتاً کمی بود. در آغاز قرن بیستم که آزادی توسل به جنگ، محدود شد. دفاع مشروع اهمیت یافت به نحوی که امروزه در هر گونه توسل به نیروی نظامی به حق دفاع مشروع فردی یا جمعی استناد می‌شود.

کلسن - حقوقدان - می‌گوید: قبل از تحریم جنگ تجاوز کارانه حق دفاع مشروع علی‌رغم تایید آن در حقوق بین‌الملل عرفی به طور مکرر، اصولاً فاقد ماهیت قانونی بوده و بیش‌تر جنبه سیاسی - اخلاقی داشته است تا اقدامات به عمل آمده را صحیح جلوه دهد. استاد ضیایی بیگدلی در مورد سابقه تاریخی دفاع مشروع می‌نویسد: تا سال ۱۹۱۹ مانع عظیم جهت پذیرش حق دفاع مشروع به عنوان یک حق بین‌المللی، وجود صلاحیت بی‌قید و شرط و نامحدود کشورها در توسل به جنگ بود، اما پس از آن میثاق جامعه ملل نیز ذکری از دفاع مشروع به میان نیاورد. شاید تدوین کنندگان میثاق چنین تصور می‌کردند که دفاع مشروع حق بنیادی و جهانی شناخته شده است، لذا نیازی به پیش‌بینی آن نمی‌باشد. (برانلی، ۱۳۸۳)

موارد دفاع مشروع

- وقوع حمله مسلحانه
- دفاع از تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی
- دفاع از اتباع داخل کشور
- دفاع از حقوق قانونی و منافع حیاتی

برخی از حقوقدانان معتقدند که عبارت استقلال سیاسی و تمامیت سرزمینی در بسیاری از اوقات، برای بیان نمونه بارز و مظهر همه حقوق قانونی که یک کشور دارد به کار می‌رفته به توجیه اقدامات زورمندانه متعددی برای حمایت از منافع و مخصوصاً جان و مال اتباع پرداختند. (بلدسویوسچک، ۱۳۷۵)

۱. وقوع حمله مسلحانه

در منشور سازمان ملل، از حمله مسلحانه سخن به میان می‌آورد، پس بر خلاف حقوق عرفی که استفاده از زور حتی اگر «تهاجم» صورت فیزیکی و مادی به خود نگیرد، بلکه به صورت تهاجم اقتصادی یا تبلیغاتی باشد، مجاز بوده است. دفاع از خود در مقابل حمله غیر مسلحانه و برای حفظ منافع با توسل به زور، مشروع نیست. به همین جهت برخی از حقوقدانان دفاع مشروع را به تجاوز مرتبط ساخته، اظهار می‌دارند که «بحث پیرامون جنگ تدافعی یا دفاع مشروع، بدون پی بردن به مفهوم تجاوز ناقص است، چرا که دفاع مشروع، واکنش کشور مورد تجاوز در قبال متجاوز است» (خسروی، ۱۳۷۳)

ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: در صورت حمله ی مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع انفرادی یا دسته جمعی اعضاء لطمه ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود، به عمل می‌آورند فوری به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت

بین‌المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

نظریه ای که توانست در دوران باستان و قرون وسطی، توسل بی قید و شرط به زور را تا اندازه ای محدود کند، نظریه جنگ مشروع یا عادلانه بود. این نظریه را برای اولین بار به عنوان یک نظریه مستقل حقوقی، «سیسرون» -سیاستمدار رومی- اعلام کرد. از نظر «گروسیوس» جنگ زمانی مشروع است که پاسخ به یک بی‌عدالتی باشد. طبق نظر واتل^۱، جنگ مشروع جنگی است که به صداقت و درستی و با اعلان قبلی آغاز شده باشد. (بلدسویوسچک، ۱۳۷۵)

ماکیاول اعلام می‌دارد: «هر جنگ لازم، جنگ مشروعی است. ارزیابی یا تشخیص عناصر ضرورت، تنها با شخص پادشاه است. «کانت» و «هگل» عقیده داشتند، جنگ هنگامی که با منافع کشور، منطبق باشد، جنگ مشروع است. روسو عقیده دارد که جنگ، بزرگترین طاعون بشریت است. ولی جنگ برای کسب آزادی، نه فقط جنگی مشروع، بلکه وظیفه ای مقدس است. حق دفاع مشروع از نظر میثاق جامعه ملل فرض مسلم بوده است. بررسی عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد تا اواخر قرن نوزدهم، دامنه حق دفاع مشروع بسیار گسترده بود. اما با محدودیت‌هایی که در اواخر قرن نوزدهم ایجاد گشت از آزادی بی‌حصر و حد دول کاسته شد و با تصویب منشور ملل متحد گام‌های موثری در برقراری سیستم امنیت دسته‌جمعی برداشته شد. از نمونه‌های عینی به رسمیت شناخته شدن دفاع مشروع پس از تصویب منشور ملل متحد می‌توان به قضیه ناوگان دانمارک (۱۸۰۷)، قضیه حمله ژاپن به منچوری (۱۹۳۱)، تهاجم آلمان به لوکزامبورگ و بلژیک (۱۹۱۴) و غرق شدن ناوگان فرانسوی توسط انگلستان (۱۹۴۰) اشاره نمود. دادگاه نورنبرگ نیز که وظیفه محاکمه سران ایتالیا و آلمان در جنگ جهانی اول را بر عهده داشت، فرضیه حالت ضرورت و اضطراب در حقوق بین‌الملل را رد کرد. لذا رویه قضائی محاکمات نورنبرگ نقش مهمی در روشن شدن مفهوم دفاع مشروع ایفا نموده است. (برانلی، ۱۳۸۳)

ماده‌ی پنجاه و یک منشور ملل متحد به این مطلب اشعار دارد که در هیچ یک از مقررات به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه به یک عضو ملل متحد تا

1 Vattel

زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد لطمه ای وارد نخواهد کرد. (خسروی، ۱۳۷۳)

مفاد ماده مذکور بیانگر این مطلب است که تعریف صریحی از دفاع مشروع و حمله مسلحانه را به دست نمی‌دهد با این وجود با مراجعه به این ماده از منشور ملل متحد می‌توان دریافت که استفاده از حق دفاع مشروع منوط به چند شرط است: (بلدسویوسچک، ۱۳۷۵)

- تجاوز نظامی
- ضرورت دفاع
- تناسب با تجاوز

تجاوز نظامی

چنانچه در مطالب پیشین به آن اشاره شد، در صورتی که تعدی و تجاوزی مسلحانه و نظامی بر علیه فرد یا کشوری صورت پذیرد دفاع مشروع موجه خواهد بود. این شرط در اصطلاح حقوق بین‌الملل برگرفته از عبارت «در صورت وقوع حمله‌ی مسلحانه» است. طبق این برداشت تهاجمات غیرنظامی از قبیل تهاجم اقتصادی، عقیدتی و فرهنگی از دایره‌ی دفاع مشروع خارج خواهد شد، همان‌گونه که این شرط دفاع پیشگیرانه را نیز مجاز نمی‌داند هر چند برخی از کشورها برحسب منافع ملی خود و با استناد به تفسیر موسع از این ماده حق دفاع پیشگیرانه را نیز برای خود قائل می‌باشند. مطلب قابل تأمل در مورد این شرط این است که باید برای تجاوز نیز تعریفی واضح و روشن بیان شود. (خسروی، ۱۳۷۳) در تعریف مجمع عمومی سازمان ملل از تجاوز اینگونه آمده است: تجاوز استفاده از نیروی مسلح علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک دولت دیگر یا به هر نحوی که مغایر با منشور ملل متحد باشد. روشن است که تشخیص زمان حمله مستقیم به وضوح قابل شناسایی است ولی حملات غیرمستقیم در شرایطی رخ میدهد که فرد فرصت اندکی برای دفاع از خویش دارا بوده و تشخیص و شناسایی آن دشوار مینماید. (بلدسویوسچک، ۱۳۷۵)

مضافاً این که برخی دول به دفاع مشروع نه تنها در زمان جنگ یا حالات جنگی استناد می‌ورزند بلکه با تفسیری موسع از حمله مسلحانه، محدوده دفاع مشروع را افزایش داده و آن را به حالات دیگری نیز تسری می‌دهند. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا، قواعد درگیری زمان صلح این کشور را متکی بر حق طبیعی دفاع مشروع می‌داند و علاوه بر مشاهده اقدام خصمانه حتی وجود نیت خصمانه برای توسل به دفاع مشروع را کافی می‌دانند.^۱ علاوه بر این، در این منشور، دفاع مشروع، نوعی استثناء بر اصل اولیه ممنوعیت توسل به زور محسوب می‌شود. زیرا «در ماده-۴ منشور که استفاده از زور را در روابط بین‌الملل ممنوع اعلام کرده باید با توجه به مواد دیگر منشور ملل متحد نظیر ماده ۱ تفسیر کرد. در این ماده نخستین هدف سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اقدامات جمعی مؤثر در پیشگیری یا محو تهدیدات نسبت به صلح و سرکوبی اعمال تجاوز یا هر عمل ناقض صلح مطرح گردیده است. از این ماده می‌توان نتیجه گرفت که گرچه استفاده از زور در روابط بین‌المللی ممنوع شده اما در بعضی از موارد توسل به زور می‌تواند مجاز باشد» (کرم زاده، ۱۳۸۲)

ضرورت یافتن دفاع

از دید فقهاء امامیه، دفاع در صورتی ضرورت پیدا خواهد کرد که تمامی راههای فصل خصومت مانند مذاکره طی شده و هیچ یک راهگشا نبوده باشد و از طرفی دفاع فوریت داشته باشد. در این صورت است که حتی اگر فرد مهاجم کشته شود، خون وی مباح بوده و فرد مدافع، مسؤول خون او نخواهد بود. به همین دلیل است که در گزاره‌های مطرح شده از سوی فقهاء امامیه، اقسام دفاع از قبیل تجاوز به جان، عرض و ناموس، مورد تحلیل و تفکیک قرار می‌گیرد (محقق حلی، ۱۳۷۰). لازم به ذکر است که این شرط به صراحت در ماده‌ی پنجاه و یک منشور ملل متحد بیان نشده است. با این وجود حقوقدانان این شرط را از فحوی این ماده استفاده نموده و قائلند که شرط ضرورت در ماده‌ی موردنظر مستتر می‌باشد (خسروی، ۱۳۷۳).

۱. در این زمینه، متن گزارش وزیر دفاع ایالات متحده به کنگره در مورد ترتیبات امنیتی در خلیج فارس، ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷ مشهود است.

تناسب دفاع با تجاوز

برای استفاده از حق دفاع باید در نظر داشت که هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی بایستی دفاع متناسب با تجاوز صورت گرفته باشد. بر همین اساس چنانچه تجاوزی در گوشه‌ای از مرز صورت پذیرد کشور مدافع فقط می‌تواند حمله‌ی متجاوز را در همان نقطه دفع نموده و مجاز به حمله به کشور مهاجم از سایر نقاط نمی‌باشد، همچنین حق تهاجم به تأسیسات زیرساختی کشور مهاجم را ندارد. این شرط نیز از لابلای ماده‌ی پنجاه و یک قابل استفاده است، چه اینکه مفهوم دفاع فقط ناظر به دفع حمله است و توجیه‌گر هیچ اقدام دیگری نمی‌باشد. (خسروی، ۱۳۷۳)

برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی آمریکا در تهران عنصر تناسب را در کنش و واکنش صورت گرفته مورد ارزیابی قرار داد. در این قضیه دیوان اقدام ایران در دستگیری و ربایش دیپلمات‌ها و کنسول‌های آمریکایی با اقدامات آمریکا در دخالت در امور داخلی ایران مقایسه نمود، و در نهایت در مقام احراز تناسب اعلام داشت که حتی اگر ثابت بشود چنان دخالتی از جانب دولت آمریکا صورت گرفته باشد، نمی‌تواند توجیه کننده نقض مصونیت دیپلماتیک نمایندگان آمریکا باشد. البته دیوان مبنای رای خود را صرفاً بر تناسب اقدام ایران در مقایسه با اقدامات آمریکا قرار نداده بود، چه بسا در صورت مقایسه اقدامات و ارزیابی تناسب، اقدام ایران در تناقض کامل با اصل تناسب به نظر نمی‌رسید. دیوان همچنین در قضیه نیکاراگوئه اظهار داشت: اقدامات ایالات متحده... در ارتباط با مین گذاری بنادر نیکاراگوئه و حمله به بنادر و تأسیسات نفتی، و غیره باید از معیار تناسب برخوردار می‌بود. هرچقدر عدم اطمینان که در خصوص میزان دقیق کمک‌های دریافت شده از گروه‌های مخالف ال سالوادرو از نیکاراگوئه عدم اطمینان وجود داشته باشد، واضح است که اقدامات اخیر ایالات متحده نمی‌توانست با این کمک‌ها متناسب باشد. (بهستانی، ۱۳۸۷)

کشوری که با استناد به حق دفاع مشروع به اقدامات تلافی جویانه علیه کشور خاطی مبادرت می‌ورزد باید متناسب با حمله مسلحانه صورت گرفته مقابله به مثل نماید. برای مثال نمی‌توان در پاسخ به یک تهدید ساده یا یک درگیری مرزی، اقدام به حملات همه جانبه هوایی یا زمینی نمود. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی (دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات

متحده) صریحاً اعلام داشت که اقدامات تلافی جویانه آمریکا بایستی متناسب با حمله مسلحانه صورت گرفته و بر اساس ارزیابی خسارات پیش آمده انجام می گرفت. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴) در این قضیه آمریکا حملات موشکی به سکوهای نفتی ایران را پاسخ به حمله صورت گرفته به ناوهای جنگی خود در خلیج فارس قلمداد می کرد و آن را بر پایه حق دفاع مشروع توجیه می نمود. در این قضیه دیوان از آمریکا خواست که .. "ضرورت حمله به سکوهای نفتی ایران و تناسب آن با حملات ادعایی این کشور به کشتی های آمریکایی را نیز ثابت کند. در واقع بار اثبات این ادعا که حملات صورت گرفته مبتنی بر حق دفاع مشروع بوده را بر عهده دولت آمریکا قرار داد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴)

از سویی دیگر مطلب مورد وفاق در مبانی اسلام یکی از اساسی ترین شروط را تحت عنوان «شروط الدفاع» تناسب دفاع با تجاوز معرفی کرده اند (شاهرودی، ۱۳۷۵). لذا به نظر می رسد در این زمینه بین مبانی حقوقی اسلام و تعاریف و حدود مطرح شده در حقوق بین الملل تناسب و اشتراک برقرار است. با این وجود، برخی حقوقدانها در جستجوی تفسیر موسع از ماده ۵۱ در اعطای حق توسل به زور می باشند (بهستانی، ۱۳۸۷) استدلال آنان بر این امر استوار است که ماده مذکور، ناسخ سایر موارد دفاع نیست بلکه صرفاً یک مورد را نامبرده است. تفسیر موسع این چنینی، ماده مذکور را از حالت عملکردی بازداشته و عملاً آن را بی اثر می سازد. مضافاً اینکه نقطه تفاوت بین حقوق اسلامی و غربی در اینجا نیز بروز و نمود می یابد. شیوه حل این تفاوت و تعارض، عدم توجه به تفسیر موسع این ماده از منشور است که آن را واجد شرایط جهت دفاع مشروع می شمارد. این در حالی است که در دین اسلام در عرصه حکومتی و اجتماعی، جهاد دفاعی به عنوان نوعی مبارزه با دشمنان و مهاجمان برای دفاع از حوزه اسلام و سرزمینهای اسلامی و برای دفاع از جان و مال و حیثیت و فرهنگ مسلمانان به رسمیت شناخته شده و از موارد دفاع مشروع در عرصه جمعی مطرح می شود. زیرا «در حقیقت جهاد ابتدایی نیز یک نوع دفاع از حقوق خداوند و دفاع از حقوق انسانهای مستضعف است. بنابراین اگر قدرت های ستمگر و کافر به مردم مسلط شده و مانع از گسترش توحید و عدالت در جامعه گردند و با سلطه و استبداد، مال خدا را مال خود و بندگان خدا را بردگان خود بپندارند و در زمین فساد و تباهی را گسترش دهند، در اینصورت به حکم «عقل» و از باب «لطف دائمی خداوند بر بندگان» دفع شر و مبارزه با چنین

افرادی واجب و ضروری است تا حدی که آفتاب توحید و حقیقت بر دل‌های مردم بدرخشد و فطرت حق جوی آنان آشکار شود و در نتیجه دین الهی بر اساس طبیعت خود در تمام آفاق انتشار یابد. پس در واقع جهاد ابتدایی دفاع از توحید و قسط و عدالت و در حقیقت دفاع از انسانیت است و هدف از تشریح فریضه جهاد در شریعت مقدس اسلام همین هدف والاست، نه کشورگشایی و سلطه جویی بر مردم» (منتظری نجف آبادی، ۱۳۶۷). از سویی دیگر در لسان فقهای مشهور اسلام، حد ضرورت برای دفع افراد متجاوز عنوان دفاع و جلوگیری از تجاوز است. به این معنا که تعدی فرد مدافع به متجاوز و ابتدا به ضربه از سوی او جایز نیست بلکه منع از تجاوز و ورود به حریم خصوصی فرد مجوز دفاع را به لحاظ شرعی فراهم می‌سازد (محدث نوری، ۱۳۶۶). لذا با استقراء تام در دیدگاه‌های فقهی و حقوقی این نکته مهم به دست می‌آید که دفاع مشروع از باب حق مسلمی که بر اساس حمایت افراد از جان، مال و ناموس آن پایه‌ریزی شده قرار گرفته و قوانین موضوعه ایران و قوانین بین‌المللی عبارتی دیگر بر اساس در نظر گرفتن ابعاد انسانی و آثاری که در روان فرد و جامعه برجای می‌نهد وضع شده‌اند. لذا بر اساس مبانی مذکور، هرگاه جان و لواحق مرتبط با انسان (ناموس و آبروی انسان) در معرض تهدید و تعرض قرار گیرد، امری منطقی است که از خود بتواند دفاع نماید و این حکم از نظر شرع مورد امضاء قرار گرفته و برای آن حدود و ثغوری منظم در نظر گرفته شده است. (کرم زاده، ۱۳۸۲)

نتیجه گیری و پیشنهاد

دفاع مشروع در هر دو نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل به عنوان استثنا بر اصل کلی منع توسل به زور مطرح است و این حقیقت با در نظر گرفتن مواد منشور و توجه به روابط بین‌المللی اسلام که همانا صلح مبتنی بر دعوت و عدالت بود، روشن می‌شود. تفاوتی که در این بین وجود دارد، سابقه تاریخی جایگاه این اصل در دو نظام حقوقی است. زیرا تا آغاز قرن بیستم این حق در حقوق بین‌الملل عرفی، اصولاً فاقد ماهیت قانونی بوده و بیشتر جنبه سیاسی و اخلاقی داشته است. از نحوه عبارت سازی ماده ۵۱ نیز به وضوح می‌توان فهمید که حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱، یک ماهیت فرعی دارد. ولی در حقوق بین‌الملل اسلامی حکم جهاد تدافعی دارای ماهیتی اساسی است. پس هم سابقه تاریخی آن در حقوق بین‌الملل اسلام ریشه دارتر و هم جایگاه و اهمیت آن بنیادی

تر و اساسی تر است. در حقوق بین‌الملل اسلام، هدف باید جهاد در راه خدا باشد، نه طغیان و کشور گشایی یا قشون کشی به قصد تجاوز. در حالی که لحاظ نمودن حق و تو برای قدرت های بزرگ که زمینه ساز ناعادلانه بودن تصمیمات حقوقی شورای امنیت است، موجب سوءاستفاده از این حق می گردد، همان طور که به دستور «ترومن» رئیس جمهور اسبق آمریکا، شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن بمباران اتمی شد و بیشتر از ۲۰۰ هزار انسان از بین رفتند.

تأمل و تدبر پیرامون موضوع مورد پژوهش نتایج ذیل را به ذهن متبادر می سازد:

* با نگرش در مجموع مباحث فقهی و حقوقی مطرح شده، این نکته قابل ذکر است که شریعت اسلام در جهت توجه به تمامی ابعاد جنایت یا جرم انجام شده منطقی ترین راهکارها در جهت اعمال و اجرای حقوق فردی و اجتماعی انسانها را در نظر میگیرد. از یکسو با دلایل متقن به کرامت انسان و ارزشمندی ذاتی او توجه ویژه دارد و اجازه تجاوز به حریم جسمی و روحی وی را به هیچ کس نخواهد داد. از سوی دیگر در موارد تجاوز به حریم فرد در مقام دفاع او را به منع از تجاوز ملزم میسازد. تا کسی که بر اساس مقاومت و معیارهای مشروع از خود دفاع می کند مستوجب مجازات نباشد.

* در تهاجمات فردی، همچون ضرب و جرح یا غارتی که با قهر و غلبه همراه است، کشتن برای دفاع از خود قطعاً مشروع محسوب می شود.

* برخی از جرائم که اساساً نمی تواند مفهوم دفاع در برابر تجاوز را توجیه کند، شامل معیارها و خصوصیات دفاع مشروع نشده و از محدوده دفاع مشروع خروج موضوعی و حکمی می یابد.

* آنچه مورد وفاق دیدگاههای فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل است، نوع دفاع مشروع مبنی بر دفاع فرد یا افراد در مقابل حملات یا تجاوزات غیرقانونی و ناموجه است. معیار تشخیص این امر قطعاً عرف و قرائن موجود پیرامون محیط و زمان وقوع تجاوز خواهد بود.

* در تهاجمات کشوری، هدف اصلی دفاع مشروع دفع تجاوز و بیرون راندن دشمن به مرزها است. اگرچه در صورتیکه دامنه تعدی و تجاوز وسیعتر از حالت معمول باشد نابود کردن مرکز تجاوز لازم خواهد بود. از اینرو دفاع مشروع شخص در مقابل اشخاص با دفاع مشروع در دامنه وسیع جنگی متفاوت خواهد بود.

* واگرایی منشور حقوق بین‌الملل از مبانی مطرح شده در فقه و حقوق ایران در این مورد خلاصه می‌شود که طبق تفاسیر موسع و آزادانه منشور مذکور، دفاع پیشگیرانه به رسمیت شناخته شده است این در حالی است که اسلام دفاع پیشگیرانه را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را مشروع نمی‌داند چراکه زمینه را برای ارتکاب جنگهای دسته جمعی به بهانه خروج از احتمال تعدی فراهم می‌سازد که این امر با مبانی اسلام سازگاری ذاتی ندارد.

* بر اساس مبانی مطرح شده در عرصه فقه و حقوق، در صورتی که مهاجم بخواهد به حریم انسان تجاوز کند و قصد قتل نداشته باشد، دفاع در این حالت نیز واجب و لازم می‌باشد چراکه دلایل شرعی و عقلی بیانگر لزوم حفظ جان، آبرو و ناموس است.

* حق دفاع مشروع با معیارهای گفته شده فقط شامل فرد یا خانواده فرد نیست بلکه می‌تواند در حیطه کلی و اجتماعی نیز انجام پذیرد. در نتیجه زمانی که گروه‌های تروریستی قلمرو یک کشور را با حملات سازمان یافته در خطر قرار می‌دهند می‌توان با استمداد از قوانین مربوط به حق دفاع مشروع از کیان فرد و جامعه در مقابل این حملات با عنایت به عناصر مهمی همچون ضرورت و تناسب، دفاع کرد.

دفاع از خود به عنوان یک حق طبیعی و دفاع مشروع به عنوان یک حق قانونی در تمامی نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است. دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل به عنوان یک اصل کلی در روابط میان کشورها حاکم است و حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی این حق را به کشورها داده است که هر زمان در معرض حمله مسلحانه سایر کشورها قرار می‌گیرند، نسبت به دفاع از خود اقدام نمایند.

فهرست منابع

- ابن ادریس، م. (۱۳۶۸). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، م. (۱۳۷۲). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- برانلی، ی. (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل در اواخر قرن بیستم. تهران: دفتر مطالعات بین‌الملل و سیاسی.
- بلدسویوسچک، ر. (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل. (ب. آقای، مترجم). تهران: انتشارات گنج دانش.
- بهستانی، م. (۱۳۸۷). دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جدید. فصل‌نامه آموزشی پژوهشی گواه، ۳۷.
- حاجی ده‌آبادی، ا. (۱۳۹۴). واگرایی‌های دفاع مشروع و قاعده مقابله به مثل. پژوهش‌های فقهی، ۸۷.
- خسروی، ع. (۱۳۷۳). حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع. تهران: موسسه فرهنگی آفرینه.
- سبحانی فر، م.، & مردمی، ا. (۱۳۹۱). اندیشه‌های دفاعی فرماندهی کل قوا. تهران: دانشگاه افسری امام حسین (ع).
- شاهرودی، س. (۱۳۷۵). معجم فقه الجواهر. بیروت: الغدیر للطباعه و النشر و التوزیع.
- کرم زاده، س. (۱۳۸۲). تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مدرس، ۱۷۱-۱۷۲.
- محدث نوری، م. (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل.
- محقق حلی، ن. (۱۳۷۰). نکت‌النهاییه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- منتظری نجف‌آبادی، ح. (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی. قم: موسسه کیهان.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. قم: موسسه مطبوعات دارالقلم.
- میرزای قمی، ا. (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: انتشارات کیهان.
- یزدی، م. (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

